

راهکارهای تقویت تفکر خلاق از منظر آیات و روایات

سجاد قدک *

چکیده

یکی از چالش‌های نظام‌های آموزشی، از جمله در حوزه‌های علمیه، نبود تناسب در تربیت فکری است؛ به گونه‌ای که تفکر انتقادی در فرایندهای آموزشی تقویت می‌شود، اما پرورش تفکر خلاق - به عنوان توانایی ارائه راهکارهای ایجابی - کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. این پژوهش با روش تحلیل متن و بر پایه الگوی «مقتضی و مانع»، به استخراج راهکارهای تقویت تفکر خلاق از آیات و روایات پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که عوامل زمینه‌ساز خلاقیت عبارت‌اند از: مشاهده و الگوگیری از طبیعت، گفت‌وگوی علمی، پرسشگری، استقلال اندیشه و تقویت الهامات رحمانی. در مقابل، موانع بروز خلاقیت شامل عادت زدگی، ترس از شکست، هم‌رنگی با اکثریت، سنت‌گرایی نابجا و خودپسندی است. بر این اساس، اگر راهکارهای یادشده به کار گرفته شود و از موانع پرهیز گردد، زمینه شکوفایی تفکر خلاق در انسان فراهم خواهد شد.

کلیدواژگان: تفکر خلاق، دیدگاه اسلام، راهکارهای خلاقیت، موانع خلاقیت.

۱- مقدمه

پیشرفت علم و فناوری در هر جامعه ای وابستگی زیادی به میزان بروز خلاقیت در آن جامعه دارد. مشکلات پیچیده و به ظاهر حل نشدنی به وسیله خلاقیت، راه حل پیدا می‌کند. جامعه هر قدر هم در مواجهه با رقیبان و دشمنان خود از نظر امکانات در ضعف باشد، در صورتی که برخوردار از تفکر خلاق باشد می‌تواند بسیاری از کاستی‌ها را جبران کند. با بهره‌مندی از خلاقیت، هر محصلی می‌تواند به جامعه خود کمک کند و حتی اگر دولت نتواند شغل کافی ایجاد کند، او با استفاده از خلاقیت و نوآوری می‌تواند برای خود و دیگران فرصتهای شغلی ایجاد کند. اما جامعه ما، علی‌رغم برخورداری از خیل محصلین و فارغ التحصیلان در مقاطع مختلف تحصیلی، خصوصاً تحصیلات عالی، همچنان از مشکل بیکاری رنج می‌برد. چرا باید برخی از مشکلات کشور با گذشت سالیان سال از بروز آنها همچنان حل نشده باقی بماند؟ بروز این علائم نشانگر آن است که تفکر خلاق آنطور که باید و شاید در جامعه ما به فعلیت نرسیده است و ما به شدت نیازمند آن هستیم که این نوع تفکر مشکل‌گشا را در جامعه و خصوصاً در مراکز علمی و تحصیلی خود تقویت کنیم. یکی از منابع معرفتی بسیار با ارزش در نزد ما مسلمانان آیات و روایات اهل بیت علیهم السلام

است. این تحقیق در صدد پاسخ به این پرسش است که راهکارهای تقویت تفکر خلاق از منظر آیات و روایات چیست؟ در صورتی که نظام تعلیم و تربیت ما به گونه ای اصلاح شود که دانش آموز بیش از آنکه معلوماتش افزوده شود توان حل مسأله داشته باشد، طبعاً خروجی این نظام آموزشی موجب تحول در جامعه خواهد شد. بسیاری از استعدادها شکوفا خواهد شد. نظام اسلامی می‌تواند، با برخورداری از این نیروی خلاق برخی از خلأهای خود را در عرصه حکمرانی برطرف کند و سرمایه اجتماعی خود را افزایش دهد ولی در صورتی که به این نوع از تعلیم و پرورش فکری، بی‌توجهی و بی‌مهری شود سرمایه عظیم نیروی انسانی کشور دچار افت بازدهی می‌شود و از داخل و خارج شبهه ناکارآمدی نظام به کرسی خواهد نشست. بنابراین لازم است که مسئولان و مربیان به این مسأله توجه ویژه داشته باشند و محققین برای یافتن راهکارهای تقویت این نوع از تفکر تلاش بیشتری به خرج دهند.

تفکر را می‌توان در چهار گونه اصلی یعنی خلاق، انتقادی، سیستمی و استراتژیک دسته‌بندی کرد. (دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، ۱۴۰۰: ص ۴) در نظام آموزشی حوزه‌های علمیه، سنت‌هایی چون اشکال آزاد در کلاس، حاشیه‌نویسی بر آثار بزرگان، و مباحثات و مناظرات علمی، به‌طور



طبیعی زمینه‌ساز تقویت «تفکر انتقادی» در طلاب می‌شود. با این حال، سایر انواع تفکر به همان اندازه رشد نمی‌کنند و این ناهماهنگی در تربیت فکری می‌تواند آسیب‌هایی در پی داشته باشد؛ به این معنا که طلبه به منتقدی توانمند و صاحب قدرت سلبی تبدیل می‌شود، اما در عرصه تولید اندیشه و ارائه راهکارهای ایجابی ضعف نشان می‌دهد. این وضعیت را می‌توان به منتقدی سینمایی تشبیه کرد که هرچند نقدهای فنی و دقیق ارائه می‌دهد، اما خود توانایی ساخت فیلمی ارزشمند ندارد. هم‌چنان که افزون بودن روحیه و تفکر انتقادی نسبت به سایر ساحتها می‌تواند در تعاملات خانوادگی و اجتماعی چالشهایی را به وجود آورد. از این رو، ارائه راهکارهایی برای پرورش تفکر خلاق و جبران این خلأ برای طلاب علوم دینی نیز ضروری می‌نماید.

در مورد راهکارهای تقویت تفکر خلاق آثار علمی زیادی وجود دارد. اما آنچه که کمتر مورد توجه قرار گرفته است، پاسخ به این پرسش اساسی از منظر آیات و روایات است. البته تک‌نگاره‌هایی در این زمینه وجود دارد اما با توجه به حجم عظیم منابع دینی ما، این تحقیقات به هیچ وجه کافی نبوده و لازم است تحقیقات فراوانی در این خصوص انجام شود. خصوصاً با توجه به اینکه بهره‌مندی از منابع دینی نیازمند

دانشهای تخصصی است و از این رو لازم است که متخصصین در حوزه علوم اسلامی و آشنا با منهج استنباط به این حوزه ورود داشته باشند.

در این پژوهش روش گردآوری اطلاعات براساس منابع کتابخانه‌ای است و با استفاده از تحلیل متن براساس مدل منطقی «مقتضی و مانع» راهکارهای تقویت تفکر خلاق را استخراج می‌کند. به این صورت که بعد از بررسی مفهوم شناسی خلاقیت، به راهکارهای ایجابی و مقتضیات ایجاد تفکر خلاق می‌پردازد و در بخش بعدی موانع بروز تفکر خلاق را از منظر آیات و روایات مورد بررسی قرار می‌دهد. ایجاد این تفکر حاصل آنست که مقتضی موجود باشد و مانع مفقود.

۱-۱- خلاقیت از منظر لغت

واژه «خلاقیت» از ریشه «خَلَقَ» گرفته شده است. در زبان فارسی، این واژه به معنای توانایی آفریدن، ایجاد کردن و نیرویی که سبب پدید آمدن آثار نو و بدیع می‌شود، به کار می‌رود (معین، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۱۴۳۳؛ دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۶، ص ۸۶۹۶). در زبان عربی نیز، ابن منظور در لسان العرب برای ریشه «خلق» دو معنای اصلی ذکر می‌کند: نخست، آفرینش چیزی بدون الگو؛ و دوم، تقدیر و اندازه‌گیری برای ساختن چیزی دیگر (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۰، ص ۸۵؛





طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۱۸۸). مشتقات این ریشه در متون دینی بیشتر در ارتباط با آفرینش خداوند به کار رفته‌اند و نه به معنای خلاقیت انسانی. تفاوت اساسی میان خلقت الهی و خلاقیت انسان - افزون بر جنبه‌هایی چون تعداد، تنوع، عظمت و زیبایی - در این است که آفرینش خداوند مستقل از هر الگو و بی‌نیاز از کمک موجودات دیگر تحقق می‌یابد.

۲-۱- خلاقیت در اصطلاح

پژوهشگران درباره‌ی مفهوم خلاقیت دیدگاه‌های گوناگونی ارائه کرده‌اند. در این میان، راجرز خلاقیت را چنین تعریف می‌کند: «خلاقیت عبارت است از پدید آمدن یک محصول ارتباطی تازه در عمل؛ محصولی که از یک سو ریشه در یگانگی و ویژگی‌های فرد دارد و از سوی دیگر از شرایط، رویدادها و موقعیت‌های زندگی او سرچشمه می‌گیرد» (راجرز، ۱۳۶۹، ص ۳۷۲). گیلفورد معتقد است: خلاقیت همان تفکر واگراست که از چهار عنصر اساسی «سیالی»، «انعطاف پذیری»، «اصالت»، و «بسط یافتگی» تشکیل شده است (فیشر، ۱۳۸۶، ص ۸۵) دوبونو بیان می‌دارد: خلاقیت همان تفکر جانبی است که تولیدکننده بوده و دارای جریان‌ی جهشی، غیرخطی و احتمالی است که همواره با تغییر قالبها در ارتباط است (

دوبونو، ۱۳۶۴، ص ۲۶)

۳-۱- ماهیت خلاقیت بر اساس مبانی نظری اسلامی

برخی از محققان مسلمان سعی کرده‌اند ماهیت خلاقیت را براساس مبانی نظری اسلامی تحلیل کنند. در این راستا تعریفی برای خلاقیت از دیدگاه اسلام ارائه شده است:

«خلاقیت فرایندی شناختی، انگیزشی و مهارتی است که منجر به تولید ایده یا اثری جدید که محصول رابطه‌ی تسخیری انسان با اشیا و موجودات عالم است در جهت شأن خلیفه‌اللهی انسان مختار می‌گردد. (جواد مداحی، ۱۳۹۴، ص ۲۳)

بر پایه این دیدگاه، خلاقیت انسان تنها در پرتو خلاقیت الهی معنا پیدا می‌کند. انسان که به عنوان خلیفه‌ی خداوند برگزیده شده است، برای انجام وظایف جانشینی خود از استعداد و توانایی آفرینش برخوردار است؛ زیرا جانشین خدا باید دست‌کم در برخی ویژگی‌ها با او شباهت داشته باشد. نشانه روشن این شباهت و خلافت الهی در وجود انسان آن است که او نیز همچون پروردگار، توانایی خلق و نوآوری دارد.

در حکمت اسلامی نیز به مقوله خلاقیت به صورت خاص پرداخته شده است. به عنوان نمونه صدرالمتهلین، خلاقیت و نقش آفرینی نفس در تولید صور ذهنی را

» جانشین خدا باید دست‌کم در برخی

ویژگی‌ها با او شباهت داشته

باشد. نشانه روشن این شباهت

و خلافت الهی در وجود انسان آن

است که او نیز همچون پروردگار،

توانایی خلق و نوآوری دارد.

عرصه‌ی زمان و مکان، حرکت و دگرگونی است. قرآن کریم نیز آغاز آموزش را بر پایه‌ی ارتباط حسی با جهان قرار داده و در تثبیت دانش بر ذهن، نخست از گوش و چشم یاد می‌کند.

امام صادق (ع) بارها مفضل را به دقت در نظام طبیعت فراخوانده و تأکید کرده‌اند که اندیشیدن در هر بخش از آن می‌تواند سرچشمه‌ای برای نوآوری‌های انسانی باشد.

ایشان در نمونه‌ای می‌فرمایند: «ای مفضل، به مورچگان بنگر که چگونه با همکاری و اتحاد، خوراک خود را گرد می‌آورند؛ همان‌گونه که انسان‌ها در کارها با هم یاری می‌کنند. دانه‌ها را دو نیم می‌کنند تا سبز نشود و از بین نرود، و هنگامی که رطوبت یا آب به لانه‌شان نفوذ کند، دانه‌ها را بیرون آورده و در آفتاب خشک می‌کنند. همچنین لانه‌هایشان را در زمین‌های مرتفع می‌سازند تا از خطر سیلاب در امان باشند» (مجلسی، ۱۳۷۹، ص ۱۳۹).

در بیان دیگری، امام (ع) به ساختار پرندگان اشاره کرده و می‌فرمایند: «ای مفضل، در آفرینش پرندگان تأمل کن؛ خداوند جسم آنان را سبک آفریده تا توان پرواز داشته باشند. اندامشان فشرده و هماهنگ است، سینه‌شان باریک و تیز ساخته شده تا هوا را به آسانی بشکافد، همان‌گونه که سینه‌ی کشتی برای شکافتن آب طراحی می‌شود. همچنین در بال و

مشابه فاعلیت خداوند متعال می‌داند. به باور وی، همان‌گونه که خداوند آفریننده موجودات بدیع است، نفس انسانی نیز به‌عنوان نشانه‌ای از ذات، صفات و افعال الهی قرار داده شده است. او در «شواهد الربوبیه» تصریح می‌کند: «فالنفس خلقت و ابدعت مثلاً لباری جلّ اسمه». بر این اساس، نفس انسانی حقیقتی است که در مقام «ظّل الله» قرار دارد و صفات و کمالات الهی را به‌صورت انعکاسی و تبعی داراست. (ملاصدرا، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۱۳۷)

۲- روش‌های پرورش تفکر خلاق از منظر آیات و روایات

۱-۲- الهام از طبیعت

طبیعت یکی از سرچشمه‌های اصلی بروز خلاقیت در انسان است. بسیاری از اختراعات و ابتکارات بشری در طول تاریخ، از مشاهده و تأمل در پدیده‌های طبیعی الهام گرفته‌اند. طبیعت همان جهان مادی،





دشمنان پره‌ای محکم و بلند قرار داده شده تا وسیله‌ی پروازشان باشد» (همان، ص ۱۴۲).

بر اساس این روایات، روشن می‌شود که ائمه هدی (ع) انسان‌ها را به تأمل ژرف و دقیق در جهان آفرینش فرا می‌خوانند. بسیاری از فناوری‌ها و ابتکارات بشری نیز در حقیقت از همین مشاهده دقیق طبیعت الهام گرفته‌اند. برای نمونه، شکل آیرودینامیک هواپیماها، کشتی‌ها و خودروها که به منظور کاهش مقاومت در برابر سیالات و در نتیجه صرفه‌جویی در انرژی و سهولت حرکت طراحی شده‌اند، برگرفته از ساختار سینه و سطح مقطع بال پرندگان است. همچنین شیوه ذخیره‌سازی و نگهداری غلات در سیلوها، از رفتار موجودات طبیعت الهام گرفته شده است. این نمونه‌ها نشان می‌دهد که توجه به خلقت و دقت در رفتار موجودات، سرچشمه بسیاری از دستاوردهای علمی و فناوریانه بشر بوده است.

امیرالمؤمنین (ع) در خطبه‌های متعدد نهج‌البلاغه، مخاطبان را به ژرف‌نگری و مشاهده‌ی شگفتی‌های آفرینش فرا می‌خواند؛ از جو و هوا گرفته تا پرندگان و جانورانی چون خفاش و طاووس، و نیز پدیده‌هایی همچون کوه‌ها، آب‌ها و باده‌ها. ایشان تأکید می‌کنند که در آفرینش این موجودات و عناصر، صنعت‌گری، نوآوری

و تنوعی بی‌مانند از سوی خالق متعال نهفته است: «خداوند آفریدگان شگفتی از جانداران و بی‌جان‌ها، برخی آرام و ساکن و برخی پرتحرک و بی‌قرار را پدید آورد و نمونه‌هایی روشن از ظرافت صنعت خویش برپا داشت» (نهج‌البلاغه، ص ۱۶۹). این دعوت به تأمل، زمینه‌ای برای بروز خلاقیت و الهام‌گیری از نظام هستی فراهم می‌آورد.

۲-۲ گفتگوی علمی

گفت‌وگو و مباحثه‌ی علمی در روایات معصومان به‌عنوان روشی اساسی برای پرورش اندیشه و خلاقیت معرفی شده است. این شیوه نه تنها قدرت استدلال و ابتکار را تقویت می‌کند، بلکه اخلاق و تفکر را نیز به حرکت درمی‌آورد. پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: تَذَاكَرُ الْعِلْمَ بَيْنَ عِبَادِي مِمَّا تَحْيَا عَلَيْهِ الْقُلُوبُ الْمَيِّتَةُ إِذَا هُمْ انْتَهَوْا فِيهِ إِلَى أَمْرِي. خدای عز و جل فرماید: گفتگوی علمی میان بندگانم سبب زنده شدن دلهای مرده می‌گردد در صورتی که پایان گفتگویشان بامری که مربوط بمن است برسد» (کلینی، ۱۳۴۸، ج ۱، ص ۵۰). در روایت دیگری نیز آمده است: «تَذَاكَرُوا وَ تَلَاَقُوا وَ تَحَدَّثُوا؛ فَإِنَّ الْحَدِيثَ جِلَاءٌ لِلْقُلُوبِ إِنَّ الْقُلُوبَ لَتَرَيْنُ كَمَا يَرِينُ السَّيْفُ. با یکدیگر دیدار و مذاکره کنید، زیرا سخن گفتن دل‌ها را صیقل می‌دهد؛ همان‌گونه که شمشیر زنگار

می‌گیرد و صیقل آن با سنگ انجام می‌شود، دل‌ها نیز با گفـت و گو جلا می‌یابند» (همان). یا در روایتی امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرمایند اِضْرِبُوا بَعْضَ الرَّأْيِ بِبَعْضٍ يَتَوَلَّدُ مِنْهُ الصَّوَابُ. (غرر الحکم، ۲۵۶۷) نظرات خود را به دیگر نظرات عرضه بدارید تا از میان آنها رای صحیح متولد شود.

این روش کارآمد و رایجی در میان حوزه های علمیه است و بسیاری از علما و بزرگان توصیه اکید بر آن داشته و دارند. هر آن کس که این روش را مستمرا انجام داده باشد اذعان می‌کند که در میان مباحثه نکاتی به ذهن می‌رسد که در حین تعلم یا مطالعه به ذهن خطور نمی‌کند.

۳-۲ پرسشگری و بازاندیشی

پرسشگری یکی از مهم‌ترین شیوه‌های ایجاد خلاقیت ذهنی و تقویت قدرت تفکر در متربی است؛ روایات اهل بیت (ع) بارها بر این روش تأکید کرده‌اند. امام صادق (ع) پرسش را کلید دانش معرفی کرده و می‌فرمایند: «این دانش قفلی دارد و کلید آن پرسشگری است» (کلینی، ۱۳۴۸، ج ۱، ص ۴۹). امام سجاد (ع) پرسش را زمینه‌ی دستیابی به فهم و درک عمیق‌تر معرفی کرده و می‌فرمایند: «مؤمن دانش را با بردباری همراه می‌سازد؛ برای آموختن می‌نشیند، با سکوت سلامت خویش را حفظ می‌کند و برای رسیدن به فهم، زبان به پرسش

می‌گشاید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۷، ص ۲۹۱). این روایات نشان می‌دهد که پرسشگری نه تنها ابزار یادگیری، بلکه زمینه‌ساز رشد اندیشه و خلاقیت است.

از سوی دیگر، تعمق در آموخته‌های پیشین نیز در آموزه‌های معصومان به عنوان روشی اساسی برای پرورش تفکر خلاق مطرح شده است. در نظام آموزشی خاندان عصمت و طهارت، صرف خواندن، شنیدن یا حفظ مطالب کافی نیست؛ بلکه باید آن‌ها را عمیقاً فهمید و در آن‌ها اندیشید. خواندن و حفظ تنها مقدمه‌ای برای تفکر است. امام علی (ع) در این باره می‌فرمایند: «کسی که در آموخته‌های خود بسیار بیندیشد، دانشش استوار می‌شود و به فهم مطالبی دست می‌یابد که پیش‌تر نمی‌توانست درک کند» (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۵، ص ۳۹۷).

بر اساس این آموزه‌ها، متعلم نباید تنها به حافظه و دانسته‌های قبلی بسنده کند، بلکه باید با بازاندیشی و غور در آن‌ها، راهی برای ابتکار و خلاقیت ذهنی بیابد. این دو روش - پرسشگری و تعمق در دانش پیشین - در کنار هم، بنیانی محکم برای پرورش اندیشه‌ای پویا و نوآور فراهم می‌آورند.

از این روایت برمی‌آید که اساس و بنیان خلاقیت در گرو دانش و اندیشه است. شهید مطهری بیان می‌کند که اگر انسان اهل تفکر باشد اما از اطلاعات و آگاهی





» متعلم نباید تنها به حافظه
و دانسته‌های قبلی بسنده
کند، بلکه باید با بازاندیشی
و غور در آن‌ها، راهی برای ابتکار و
خلاقیت ذهنی بیابد. این دوروش
- پرسشگری و تعمق در دانش
پیشین - در کنار هم، بنیانی محکم
برای پرورش اندیشه‌ای پویا و
نوآور فراهم می‌آورند.

کافی برخوردار نباشد، همانند کارخانه‌ای خواهد بود که مواد اولیه ندارد یا اندک دارد؛ در نتیجه محصول و نوآوری چندانی به دست نخواهد آمد. همچنین اگر کارخانه مواد خام فراوان داشته باشد ولی فعالیت نکند و به کار و پردازش نپردازد، باز هم تولید و ابتکاری حاصل نخواهد شد (مطهری، ۱۳۸۷، ص ۳۵).

کنند. در سیره‌ی تربیتی پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع)، همواره بر استقلال فکری و دوری از تقلید بی‌چون‌وچرا تأکید شده است. این رویکرد مانع از جمود، انحراف و تحجر در اندیشه‌ی متربی می‌شود و او را به سوی تفکری پویا و خلاق سوق می‌دهد. امام کاظم (ع) در وصیتی به هشام می‌فرماید: «ای هشام، اگر در دست گردویی باشد و مردم بگویند لؤلؤ است، برای تو سودی ندارد؛ زیرا خود می‌دانی که گردوست. و اگر در دستت لؤلؤیی باشد و مردم آن را گردو بدانند، زبانی به تو نمی‌رسد؛ زیرا خود می‌دانی که لؤلؤ است» (حرانی، ۱۳۸۷، ص ۸۵۲). این بیان نشان می‌دهد که معیار اصلی، حفظ استقلال عقل و اندیشه است؛ انسان نباید تحت تأثیر قضاوت‌ها و افکار دیگران قرار گیرد، بلکه باید بر پایه‌ی شناخت و یقین خود حرکت کند.

۲-۵- تقویت عوامل الهامات رحمانی

استربرگ و نیو در تحلیل مبانی فلسفی خلاقیت در غرب، به این نتیجه می‌رسند که اولین ریشه «خلاقیت به منزله الهام خدایی»، برگرفته از ایده کتاب مقدس از خلقت خداوند است (استربرگ و نیو، ۲۰۰۶، ص ۲۰). در یونان باستان این باور رواج داشت که سرچشمه‌ی همه‌ی خلاقیت‌ها یا از یک خداوند یگانه است یا از الهام خدایان متعدد. یونانیان، خلاقیت را نیرویی

۲-۴- استقلال اندیشه و پرهیز از تقلید

کورکورانه

در بسیاری از محیط‌های آموزشی دیده می‌شود که شاگردان هنگام پاسخ‌گویی به پرسش‌ها یا حتی در اظهار نظرهای خود، تحت تأثیر افکار دیگران قرار می‌گیرند و صرفاً همان آراء و اندیشه‌های دیگران را تکرار می‌کنند؛ بی‌آنکه خود به تفکر مستقل پرداخته و اندیشه‌ای تازه و نوآورانه خلق



فراتر از توانایی‌های انسانی می‌دانستند و آن را نوعی یاری الهی تلقی می‌کردند. به اعتقاد آنان، فرد خلاق در لحظه‌ی آفرینش، تحت کنترل خود نیست بلکه نیرویی برتر او را دربر می‌گیرد و زمینه‌ی آفرینشگری را برایش فراهم می‌سازد.

بر اساس آموزه‌های اسلامی، انسان دارای دو گونه‌ی خطور درونی است. یکی از این خطورات به خداوند مربوط می‌شود و همان بُعد رحمانی انسان است که از آن با عنوان الهامات الهی و وحی یاد می‌شود. کسانی که ارتباطی استوار با پروردگار دارند، بیشتر از این نوع الهام بهره‌مند می‌گردند؛ به گونه‌ای که گرچه فرشتگان را نمی‌بینند، اما فرشتگان حقیقت را بی‌آنکه فرد متوجه شود در دل او قرار می‌دهند.

از قرآن و روایات به روشنی درمی‌یابیم که مؤمنان از الهام برخوردارند و فرشتگان مسیر درست را به آنان نشان می‌دهند. اگر رابطه انسان با خداوند محکم باشد، خود به خود راه حق را می‌یابد و این الهام در قرآن کریم «هدایت» نامیده شده است؛ یعنی لطف و عنایت ویژه الهی. ذلک الكتاب لاریب فيه هدی للمتقین (بقره: ۲) اگر انسان پیوندی استوار با خداوند نداشته باشد و - العیاذ بالله - در مسیر فسق یا کفر گام بردارد، هرچه بیشتر در سقوط فرو رود، افکار و خطورات درونی او بیش از پیش از نفس اماره و وسوسه‌های شیطانی سرچشمه خواهد

گرفت. (ان الشیاطین لیوحون الی اولیائهم لیجادلکم) (انعام: ۱۲۱) (حسین مظاهری، ۱۳۸۴، ص ۱۳۷)

حدوث یک فکر خلاق می‌تواند حاصل الهامات الهی مؤمنانه و دریافتهای پاک انسانی باشد. بنابراین توضیح همه عواملی که در قرآن و روایات برای هدایت خاص انسان ذکر شده است، می‌تواند الهامات را تقویت کرده و منشا ابتکار گردد. هم چنین بر این اساس که وسیله الهامات رحمانی ملائکه هستند آن دسته از آیات و روایات که بیانگر عوامل نزول ملائکه هستند، راهنمای انسان برای دریافت این الهامات خواهند شد. مانند قرائت قرآن که باعث نزول ملائکه در خانه می‌شود: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَلْبَيْتُ الَّذِي يُقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ وَيُذَكَّرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ تَكْثُرُ بَرَكَتُهُ وَتَحْضُرُهُ الْمَلَائِكَةُ وَتَهْجُرُهُ الشَّيَاطِينُ. امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: خانه‌ای که در آن قرآن خوانده شود و ذکر خدای عز و جل (و یاد او) در آن بشود، برکتش بسیار گردد، و فرشتگان در آن بیایند و شیاطین از آن دور شوند. (کلینی، ۱۳۴۸، ج ۲، ص ۶۱۰) و در مقابل عواملی همچون وجود سگ، شراب، آلات لهو و... که در روایات مانع حضور ملائکه شمرده شده اند، سبب محرومیت از الهامات رحمانی خواهند شد.





۳- موانع خلاقیت از منظر آیات و روایات

۱-۳ عادات

اگر شخص برای حل مسائل تنها به یک چارچوب ثابت بسنده کند و همواره بخواهد مشکلات را بر اساس همان الگو برطرف سازد، به مرور به آن عادت کرده و بدون اندیشه و ژرف‌نگری عمل خواهد کرد. در نتیجه، ذهن او محدود می‌شود و به خلاقیتی که نیازمند تفکر و تعقل است دست نخواهد یافت. در روایات به کارکرد و آثار عادت توجه خاصی شده است. یکی از آثاری که در مورد عادت بر آن تاکید شده است سلطه و مقهور کنندگی آن است. امام علی علیه السلام در فرمایشاتی به این اثر اشاره می‌فرماید: عادت، بر هر انسانی سلطه دارد. (میزان الحکمه، ح ۱۴۶۶۶). عادت، دشمنی است که انسان را در تملک خود دارد. (همان، ح ۱۴۶۶۷) هم چنین نسبت به چیره شدن بر عادات، تاکید شده است و غلبه بر آنها را فضیلت و عبادت بر شمرده شده است. امام علی علیه السلام می‌فرماید: فضیلت، چیره شدن بر عادت است. (همان، ۱۴۶۷۳) برترین عبادت، چیره شدن بر عادت است. (همان، ۱۴۶۷۴). با چیره شدن بر عادت‌هاست که بتوان به بالاترین مقامات رسید (همان، ۱۴۶۷۶). طبق آیات قرآن کریم اگر کج روی برای انسان عادت شد، قهر الهی فرا می‌رسد.

آن جا که می‌فرماید: « فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ؛ ما [نیز] بر آنان که ستم کردند به سزای اینکه نافرمانی پیشه کرده بودند عذابی از آسمان فرو فرستادیم». اسلوب «بما کانوا» در قرآن در بسیاری از موارد اشاره به عادات و ملکه های نفسانی انسان دارد و تعیین کننده عاقبت انسان است. بنابراین قرآن بر شکل گیری عادات اهتمام ویژه دارد و انسان ها را نسبت به شکل گیری آنها در جهت غلط و عواقب آن بیم می‌دهد. با این تربیت قرآنی، عادات ناپسند در انسان شکل نمی‌گیرد و این مانع خلاقیت در انسان از بین می‌رود.

۲-۳- هراس از شکست

از آنجا که دستاوردهای انسان در صورت موفقیت با پاداش و تشویق همراه است و در صورت ناکامی با سرزنش و مجازات روبه‌رو می‌شود، افراد معمولاً به دنبال فعالیت‌هایی می‌روند که نتیجه‌ای تضمین‌شده و موفقیت‌آمیز داشته باشد. همین نگرش سبب می‌شود از پذیرش خطر و تجربه راه‌های تازه - که شرط اساسی خلاقیت است - فاصله بگیرند. در نتیجه، ترس از شکست به مانعی جدی در مسیر نوآوری و آزمودن شیوه‌های گوناگون تبدیل می‌شود. در روایات ترس بسیار مذمت شده است. امام علی علیه السلام در مورد این رذیله می‌فرماید: ترسوئی، عیب و کاستی است.

» اسلوب «بما کانوا» در قرآن

در بسیاری از موارد اشاره به

عادات و ملکه های نفسانی

انسان دارد و تعیین کننده عاقبت

انسان است. بنابراین قرآن بر

شکل گیری عادات اهتمام ویژه

دارد و انسان ها را نسبت به شکل

گیری آنها در جهت غلط و عواقب

آن بیم می دهد.

خداوند متعال در آیات بسیاری از قرآن کریم مردم را از ترس غیر خداوند بر حذر می دارد. می فرماید: «فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي؛ پس از آنان نترسید و از من بترسید (بقره: ۱۵۰)» «فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَخَافُونَ؛ از آنان مترسید و از من بترسید (آل عمران: ۱۷۵)». یکی از راهکارهای مهم برای عبور از ترس در آیات و روایات توکل بر ذات باری تعالی است.

۳-۳- هم رنگی با اکثریت

یکی دیگر از موانع خلاقیت در انسان هم رنگی و مشابهت یافتن با اکثریت است این خصلت انسان را از فکر و نوآوری باز میدارد. منشا این هم رنگی امیال و تمایلات مختلفی است. یکی از آنها ترس از شکست و ملامت است که در قسمت قبلی به آن اشاره شد. غیر از ترس، میل به همگامی و هم رنگی هم در شکل گیری آن خصلت تاثیرگذار است.

با رجوع به قرآن کریم روشن می شود که خداوند متعال هرگز اکثریت را معیار حق و حقیقت قرار نداده است؛ بلکه برعکس، در بسیاری از آیات، بیشتر مردم به سبب آنکه در طول تاریخ از مسیر حق فاصله گرفته اند مورد سرزنش و نکوهش واقع شده اند. در ادامه به برخی از این آیات اشاره خواهد شد.

۱. «وَإِنْ تُطِيعُوا أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ لَيُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ» (انعام:

همان، ۲۴۲۳) و برای درمان ریشه های آن بیان شده است. امام علی علیه السلام: ترسویی زیاد، از ناتوانی نفس و سستی یقین است. (همان، ۲۴۲۷) ترسویی و آزمندی و بُخل، خویهای بدی هستند که از بدگمانی به خداوند سبحان مایه مگیرند. (همان، ۲۴۲۵)

برای خلاق بودن نباید هراس را به دل راه داد، نباید خود را به دامن ترس انداخت، ترس دشمن دانایی انسان است. دانشمندان هر عصری و هر نسلی شجاع ترین جنگجویان بوده اند. آن کس که بیشترین تحول را دامن زند، جسورتر است. توانا بودن بسته به دانایی است. برای ایجاد خلاقیت در پهن دشت وجود باید بی باک بود. اگر بگویی که تا شنایاد نگیرم پا به آب نمی زنم، دیگر مطمئن باش تا آخر عمرت نخواهی توانست شنا یاد بگیری.





۱۱۶)؛ (و اگر پیروی کنی از اکثر مردم زمین، تو را از راه خدا گمراه خواهند کرد، که اینان جز از پی گمان نمی روند).

۲ «وَإِنَّ كَثِيرًا لِّيُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ» (انعام: ۱۱۹)؛ (و بسیاری به هوای نفس خود از روی نادانی به گمراهی روند).

۳ «وَمَا يَتَّبِعْ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا» (یونس: ۳۶)؛ (اکثر این مردم به غیر از گمان باطل خود، از چیزی پیروی نمی کنند).

وقتی که این خصلت در انسان تضعیف شد که به دنبال اکثریت راه بیافتد لازمه اش تفکر، حرکت و نوآوری است. بنابراین این توصیف‌های قرآنی، تربیتی را پدید می آورد که انسان را به سمت خلاقیت سوق می دهد.

۴-۳- سنت گرایی نابجا

یکی از موانع رایج برای بروز خلاقیتها، باقی ماندن بر اسلوب و روش گذشتگان در موارد نابجا است. طبیعتاً زندگی انسان نمی تواند از گذشته خود و تجربیات آن منفک شود اما باقی ماندن بر منهج گذشتگان میتواند صورتی نادرست و افراطی به خود بگیرد و مانع حرکت خلاقانه گردد بنابراین شناخت عرصه هایی که لازم است تحول و حرکت صورت بگیرد از عرصه هایی که بایستی منهج صحیح پیشینیان حفظ شود لازم است و قرآن و روایات در مورد این حیطه بندی هم به انسان راه نشان می دهد.

آیات فراوانی وجود دارد که از تبعیت

نابجا از پیشینیان نهی میکند. هر چند که این آیات غالباً در خصوص مساله اساسی پرستش است اما پیام قرآن عام تر از آنست و به صورت کلی تربیت قرآنی، گونه ای از تربیت است که انسان را از تحجر و تقلید نابجا از گذشتگان باز می دارد.

«وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ» (و چون به آنان (به مشرکان یا برخی یهود) گویند که از آن چه خدا نازل کرده پیروی کنید، گویند: بلکه از آن چه پدران خود را بر آن یافته ایم پیروی می کنیم، آیا [چنین کنند] گرچه پدرانشان چیزی نمی فهمیده و راهیافته نبوده باشند؟! (بقره - ۱۷۰)

«بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أَمَّةٍ وَاِنَّا عَلَىٰ آثَرِهِمْ مُهْتَدُونَ» گفتند: [نه،] بلکه پدرانمان را یافته ایم که چنین می کنند [ما نیز تقلید آنان می کنیم] (زخرف - ۲۲) در این سری از آیات پذیرش مطلق پیشینیان منطقاً محکوم شده است. طریق گذشتگان و الفت با آن نباید جایگزین تعقل و تفکر شود.

۵-۳- خودپسندی

حضرت علی (ع) در وصیت خود به امام حسن (ع) می فرمایند: «و اعلم ان الاعجاب ضد الصواب و آفة الألباب»؛ یعنی بدان که خودپسندی انسان را از مسیر درست

منحرف می‌سازد و عقل‌ها را دچار آسیب می‌کند (نهج البلاغه، نامه ۳۱، ص ۳۰۱). از این سخن می‌توان دریافت که هرگاه روحیه‌ی اعجاب و خودپسندی در فرد شکل گیرد، اندیشه و خرد او لطمه می‌بیند و یکی از عرصه‌هایی که بیشترین آسیب را متحمل می‌شود، حوزه‌ی تفکر خلاق است. عواملی که می‌توان به عنوان مقتضیات و موانع تفکر خلاق برشمرد بیش از موارد مذکور در این مقاله است. اما به خاطر اختصار و ملاحظه حجم یک مقاله، به این میزان اکتفا شده است. جا دارد که همه عوامل مورد تحقیق قرار گرفته و در قالب کتاب تألیف و انتشار یابد.

۴- نتیجه

پیدایش خلاقیت یک فرایند مرموز و پیچیده در وجود انسان است. برای دست یابی به پاسخ این مسئله که راهکارهای تقویت تفکر خلاق از منظر آیات و روایات چیست از روش منطقی مقتضی و مانع استفاده گردید. آیات و روایات، ما را به راهکارها و مقتضیاتی برای رسیدن به تفکر خلاق راهنمایی می‌کند. در صورتی که از این راهکارها استفاده شود و از موانع پیش رو برای خلاقیت پرهیز شود تفکر انسان برای ابداع و نوآوری تقویت خواهد شد. مشاهده طبیعت منشأ بسیاری از اکتشافات بشر بوده و است. در منابع دینی ما به این روش

تصریح شده است. مذاکره علمی که روشی رایج در حوزه‌های علمیه است، به تجربه ثابت شده است که از میان گفتگوی علمی نقطه نظرات نو خلق می‌شود و در روایات به این روش توصیه و تأکید شده است که می‌تواند رأی صواب را استخراج کند.

عامل دیگر سؤال کردن و داشتن روحیه پرسشگری است. سؤال کلید علم برشمرده شده است. عامل دیگری که در روایات به آن اشاره شده استقلال فکری است. ذهنی که مستقل باشد و از انواع وابستگی‌ها و تقلیدها رها شده باشد، برون‌داد آن خلاقیت و ابتکار خواهد بود. در راهکار پنجم این موضوع بحث شده است که از منظر منابع دینی، انسان دائماً در معرض خطرات رحمانی و شیطانی است. در صورتی که

خطورات رحمانی در انسان تقویت شود می‌تواند منشأ انواع خلاقیتها گردد. خطورات رحمانی از طریق ملائکه به ذهن انسان پاک و مؤمن القاء می‌شود و در لسان آیات به آن «هدایت» اطلاق شده است. تمام عواملی که مسیر هدایت و نزول ملائکه را هموار کند موجب تقویت خطورات رحمانی خواهد شد و تمام عواملی که در روایات، به عنوان سبب دور شدن ملائکه و اجتماع شیاطین ذکر شده است، انسان را از این سنخ از خلاقیت محروم خواهد کرد.

یکی از مهمترین موانع خلاقیت عادات انسان است. روایات متعدد در مذمت





» از منظر منابع دینی، انسان دائماً در معرض خطورات

رحمانی و شیطانی است. در

صورتی که خطورات رحمانی در

انسان تقویت شود می تواند منشأ

انواع خلاقیتها گردد. خطورات

رحمانی از طریق ملائکه به ذهن

انسان پاک و مؤمن القاء می شود

و در لسان آیات به آن «هدایت»

اطلاق شده است.

جلوی او منسد می شود. این مانع نیز در آیات زیادی از قرآن مورد نکوهش قرار گرفته است و در آخر، خودپسندی مورد بحث قرار گرفته است. خودپسندی عاملی است که انسان را از خلاقیت و حرکت باز می دارد و روایات، آن را آفت ذهنها معرفی کرده است. مقتضیات و موانع تفکر خلاق بیش از این موارد است ولی در این تحقیق به اقتضای حجم یک مقاله، این موارد براساس تأثیر زیاد آنها در خلاقیت، مورد بررسی قرار گرفته است.

پیشنهاد پژوهشی: یکی از زمینه هایی که جای پژوهش و مطالعه دارد آنست که بررسی صورت گیرد که آیا الفاظ متعددی که در آیات و روایات دال بر تفکر هستند اعم از تفکر، تدبر، تعقل، تفقه، اعتبار و نظر آیا تناظر یا نسبیتی با انواع تفکر دارند یا خیر؟ و چه دلالت هایی از این گونه الفاظ و معانی، ناظر به تفاوت انواع تفکر، می توان استفاده کرد؟

منابع

قرآن کریم

نهج البلاغه (۱۳۷۵)، ترجمه سید جعفر شهیدی،

تهران، انتشارات علمی و فرهنگی

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب،

محقق میردامادی، بیروت، نشر دارالفکر

حرانی ابن شعبه (۱۳۸۷)، تحف العقول عن آل

الرسول، ترجمه احمد جنتی، تهران، سازمان

عادات ناپسند وارد شده است و راه های مبارزه با آن ذکر شده است. عامل دیگر برای جلوگیری از تفکر خلاق، هراس از شکست است. جبن یا همان ترس ملکه ای است که در روایات مورد مذمت قرار گرفته و عامل آن ضعف نفس و سوء ظن به خدا بیان شده است. همرنگی با اکثریت، مانع دیگری است که ذهن را از هر گونه خلاقیت باز می دارد این منشأ مخرب در آیات قرآن اعتبارزدایی شده است. انسان تربیت یافته قرآن، با عبور از این آسیب می تواند به ابداع و ابتکار رو آورد.

مانع دیگر که از جهتی بی شباهت به عامل قبل نیست، سنت گرایی و تقلید کورکورانه از گذشتگان است. آن انسان یا جامعه ای که بیش از اندازه از روش پیشینیان خود پیروی کند، راههای ابتکار

تبلیغات اسلامی

- حسینی زاده، سید علی (۱۳۹۱) سیره تربیتی پیامبر (ص) و اهل بیت (ع)، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
- خوانسارای، آقا جمال (۱۳۶۶)، شرح غررالحکم و دررالکلام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
- دوبونو، ادوارد (۱۳۶۴)، تفکر جانبی، ترجمه عباس بشارتیان، تهران، چاپخانه فرهنگ
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳)، لغت نامه دهخدا، تهران، نشر دانشگاه تهران
- دانشگاه علوم پزشکی اصفهان. (۱۴۰۰). شیوه‌های تفکر انتقادی، اصفهان، گروه توسعه آموزش
- دانشگاه علوم پزشکی، بسته آموزشی
- راجرز، کارل، (۱۳۶۹)، درآمدی بر انسان شدن، ترجمه قاسم قاضی، تهران، دانشگاه آزاد اسلامی
- صدرالدین شیرازی محمد بن ابراهیم (۱۳۸۸)، الشواهد الربوبیه فی المنهاج السلوکیه مترجم یحیی کبیر، قم مطبوعات دینی
- فیشر، رابرت، (۱۳۸۶)، آموزش تفکر به کودکان، ترجمه مسعود صفایی مقدم، تهران، رسش
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۴۸)، اصول کافی، ترجمه و شرح سید جواد مصطفوی، ج ۱، تهران، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت (ع)
- مداحی جواد (۱۳۹۴)، ماهیت خلاقیت در اسلام، اسلام و پژوهش تربیتی، پاییز و زمستان ۱۳۹۴، شماره ۱۴، ص ۵-۲۸
- مجلسی محمدباقر (۱۳۷۹)، توحید مفضل، ترجمه علامه مجلسی، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- محمدی ری شهری محمد (۱۳۸۹)، میزان الحکمه، قم، موسسه علمی فرهنگی دارالحديث
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷)، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات صدرا
- مظاهری حسین (۱۳۸۴)، اخلاق در خانه، قم، انتشارات اسلامی
- معین، محمد (۱۳۶۲)، فرهنگ معین، تهران، نشر امیرکبیر، چاپ پنجم



